

نما

درخشش ستاره شهید شیرودی در «آسمان غرب»

جبارآدین

منتقد و مدرس سینما و تلویزیون

گرچه تلاش برای کار سترگ تغییر ریل سینما از لیبرالیسم که بیش از سه دهه بر فضا و تولیدات سینمای ایران، سلطه داشته به سینمای مقاومت که معتقدم از ارکان اساسی ایجاد سینمای ملی ایران است، سهل و ساده نیست و به زمان، تخصص، دانش و تجربه و برنامه و نیروهای کاربلد و کارشناس نیاز دارد، ولی پرتنگی فیلم‌های محتواگرا و ارزشی با رویکرد توجه به زندگی و مبارزات شهدا و قهرمان‌های انقلاب، دفاع مقدس و وقایع و مجاهدت‌های مبارزان در منطقه و جهان اسلام و غزه و فلسطین و سوریه و... در چهل و دومین جشنواره فیلم فجر، نشانگر آغاز حرکت جمعی از مدیران فعال هنری و هنرمندان متدین و متعهد در این راستا بود. در این دوره از جشنواره که نسبت به دو جشنواره پیشین از نظر تولید فیلم‌های منطبق و همسو با ارزش‌ها و آرمان‌ها و دستاوردهای ایران اسلامی، غنی‌تر و جلوتر بود، تعداد فیلم‌های قهرمان محور مقاومتی بسیار بیشتر بود. در فیلم «آسمان غرب»، دومین ساخته سینمایی سینماگر جوان و مستعد محمد عسگری بعد از فیلم «ارزشمند و تحسین شده «اتاقک گلی» که در جشنواره چهل و یکم فیلم فجر برای کارگردانش افتخار ارمغان آورد، بخشی از زندگی و مبارزات شهید شیرودی دستمایه قرار گرفته است. علی‌اکبر قربان شیرودی از بهترین خلبان‌های هوا نیروز ارتش جمهوری اسلامی بود که در حوادث کردستان و دفاع مقدس با سرکوب دشمنان، موفقیت‌های فراوان به دست آورد. زندگی و مبارزات این قهرمان مقاومت و دفاع مقدس سراسر حادثه، ماجرا و تلاش و فداکاری بود و تولید اثری فاخر درباره او، افتادگی شایسته محسوب می‌شود. «آسمان غرب»، اثری پرزحمت و دیدنی است. گر چه این فیلم در روایت و پرداخت دراماتیک و بهره‌گیری از ویژگی‌ها و مختصات فیلم‌های دفاع مقدسی، امتیازهایی خوب دارد، ولی یک فیلم دارای شخصیت و قهرمان محور کلاسیک نیست، چرا که اغلب شخصیت‌ها و از جمله شهید علی اکبر شیرودی دارای پردازش کامل نیستند و هر چند پرزنگ، ولی عمدتاً به گوشه‌هایی از زندگی و مبارزات او توجه شده است. در حالی که فیلم و داستان آن، ظرفیت و فضای چنین پرداختی را داشتند و عسگری می‌توانست با پرداختن به ابعاد مختلف و کامل شخصیتی شیرودی و به تصویر کشیدن موفقیت‌های فراوان او در میادین مختلف نبرد، او را همان‌گونه که بود، یک قهرمان سلحشور مردمی به نمایش درآورد. با این همه، آنچه هم از این شهید ارزشمند و شریاپی که او در آن زیسته و مبارزه می‌کرده و در «آسمان غرب» تصویر شده، با ارزش و هنرمندانه است و در آسمان سینمای دفاع مقدس می‌درخشد، لیکن در حد منزلت شهید شیرودی نیست. این فیلم می‌توانست خوش ساخت‌تر و قوی‌تر ساخته شود. «آسمان

غرب» با تمام امتیازها و ارزش‌های هنری و محتوایی‌اش از نظر هنری و سینمایی از «اتاقک گلی» جلوتر نیست، اما به‌عنوان یک تجربه خوب در سینمای مقاومت در کارنامه هنری و سینمایی محمد عسگری، نمره قبولی می‌نشانند.



به بهانه رکوردشکنی «تمساح خونی» در گیشه سینماها

کمدی عام فهم و خاص پسند

یادداشت

محمدتقی زاده

منتقد

رکوردشکنی «تمساح خونی» برخلاف رکوردشکنی‌های کمدی‌هایی چون «فسیل» و «هتل»، از زمان اکران جشنواره قابل پیش‌بینی بود. اپیدمی کمدی‌ها در سینمای ایران و استقبال تماشاگران از این گونه با توجه به کیفیتی که فیلم در نمایش اول در سالن رسانه‌ها از خود بروز داد، باعث شد که از همان نمایش نخست، پیش‌بینی رکوردشکنی «تمساح خونی»، اکران آن در باکس نوروژی و به احتمال زیاد شکستن رکورد «فسیل» و قرارگرفتن به عنوان پرفروش‌ترین فیلم سینمای ایران، امری بدیع و دور از ذهن نباشد.

«تمساح خونی» شگفتانه جشنواره چهل و دوم فیلم فجر برای اهالی جشنواره و رسانه‌ها بود؛ جایی که قرار بود نخستین فیلم جواد عزتی به عنوان یکی از محبوب‌ترین و باکیفیت‌ترین بازیگران کمدی و جدی سینمای ایران اکران شود و نکته‌حایز اهمیت موفقیتی بود که عزتی در



عزتی در نخستین فیلم خود در جایگاه کارگردان، ریسک نکرده و مسیری امتحان پس داده را طی کرده است

برنده «تمساح خونی» شخص جواد عزتی است که در کسوت بازیگر و کارگردان توانسته با تیزهوشی و استفاده صحیح از توانایی‌های خود و نیاز جامعه، اثری شیرین و جذاب را به نمایش درآورد که علاوه بر برخی حداقل‌ها در متن و اجرا، برخی حداکثرها را نیز در میان فیلم‌های کمدی بفروش سینمای ایران دارد. «تمساح خونی» برخلاف آثار می‌مانند «فسیل» و «هتل» به شیرین‌کاری و بزله‌گویی و توسل به نوستالژی و هجو برای خنداندن تماشاگر روی نیاورده و سعی کرده با تمرکز بر اصول فیلمنامه‌نویسی و قصه‌گویی در سینما به همراهی مخاطب و شیرین شدن فیلم دست یابد. امتیاز اصلی فیلم «تمساح خونی» از نظر کیفیت سینمایی، همین قصه‌گویی و اجرای قابل قبول صحنه‌های مختلف کمدی و اکشن است. «تمساح خونی»



یک کمدی اکشن ایرانی است که بر پایه برخی الگوهای فیلمنامه‌نویسی ساخته شده اما توانسته مسیر قصه‌گویی خود را با کیفیت تا انتها حفظ کند و برای جذب مخاطب به هر دری ززند تا از تماشاگر خنده بگیرد. صحنه‌های اکشن فیلم و اجرای موقعیت‌های شلوغ که دشواری زیادی نیز داشته، علاوه بر نشان‌دادن توانایی جواد عزتی در کارگردانی، از استاندارد بسیاری از فیلم‌های بدنه سینمای ایران بالاتر است. شاید این وجوه اجرایی و وفاداری به قواعد ژانر و قصه‌گویی بوده که سبب شده مخاطبان جدی‌تر و منتقدان نیز همانند عامه مردم از فیلم لذت ببرند.

عزتی در نخستین فیلم خود در جایگاه کارگردان، ریسک نکرده و مسیری امتحان پس داده را طی کرده است. او به سراغ کمدی رفته و از همکاران سابق و پارتنرهای کمدی و عاطفی خود یعنی عباس جمشیدی و الناز حبیبی که سابقه همکاری در سریال‌های تلویزیونی را با هم داشتند، استفاده کرده است. این ریسک نکردن و گام اول را محکم برداشتن بدون شک از تیزهوشی آقای بازیگر و کارگردانی می‌آید که بعد از ساخت «تمساح خونی»، سینما دوستان ایرانی را به ظهور



یک فیلمساز سینمابلد و قصه‌گو امیدوار کرده است. بازی بهزاد خلج از دیگر امتیازات فیلم است، بازیگری کم‌ادعا و توانمند که با سریال‌های «پوست‌شیر» و «آقای قاضی» در نمایش خانگی و تلویزیون در سال گذشته حضور موفقی داشت و نقش مکمل و مؤثر او در «تمساح خونی»، پایانی خوش از یک سال موفق و ظهور یک بازیگر اول و مکمل درخشان در سینمای ایران بود. درکنار این موفقیت‌ها و دستاوردها، فیلم ایراداتی نیز دارد و نقدهایی به آن وارد است؛ مثلاً زوج جمشیدی و عزتی خاستگاه فردی خوبی روی آنها نشده و تمرکز بیشتر روی مسیر روایت و موقعیت‌ها بوده است. نقد دوم، بازی جواد عزتی است که با وجود گرفتن نمره قبولی، دستاورد تازه‌ای در کارنامه بازیگری او محسوب نمی‌شود و در امتداد همان شخصیت ترسو و شیرین آثار قبلی‌اش تصویر شده است. اما مهم‌ترین نقد فیلم «تمساح خونی» به پایان‌بندی ضعیفش باز می‌گردد، جایی‌که گویی نفس فیلم برای به ثمر رساندن آن، تمام شده و با یک کم‌سلیکی آشکار در فینال فیلم مواجه هستیم، به طوری که ساختگی بودن اتفاقات که در پایان لو داده می‌شود، اصلاً در نمی‌آید و باورپذیر نمی‌شود و به طور کلی، فینال فیلم رفق و توان اجرا و متن بخش‌های ابتدایی فیلم را ندارد.

آزمون است. زندگی‌اش به گونه‌ای چیده شده که گویی در این آزمون باید قرار می‌گرفت. بارها و بارها جوانگرایی کرده و بارها و بارها در تیم‌هایی بوده که پول خرج کرده و آمده بیرون و دوباره با یکسری جوان تیمی را احیا کرده است. وقتی که نوجوان‌های شاهین را می‌آورد و از صفر شروع می‌کند و تیم‌گارد را می‌سازد و در تیم‌های تهرانی نیز مطرح می‌شود و وقتی می‌خواهد در لیگ سراسری برود به او می‌گویند تیمت حرفه‌ای نیست و باید یکسری شاخصه‌ها داشته باشد و با این شرط و شروط تیم‌ها را راه‌اندازی می‌کند. او در زندگی‌اش بارها و بارها این کار را کرده است. دهداری نشان داد که اخلاق در فوتبال چقدر مهم است. از وقتی که در تیم جم آبادان به شاهین دعوت می‌شود، این مکتب فکری را پایه‌گذاری می‌کند. آن زمان شعارشان این بوده یا فوتبال یا درس؛ اما دهداری می‌گوید هم درس هم فوتبال، هر دو با هم؛ اما بعد از اخلاق.

● درباره چگونگی بازسازی صحنه‌های فوتبال که به لحاظ دکوپاژ و میزآسن کار قابل قبولی است، توضیح دهید؟

بازسازی صحنه‌های فوتبال در ایران با این کیفیت تا به حال انجام نشده است و چون تا به حال نمونه‌ای موجود نبود، کار را برای ما دشوارتر می‌کرد و نمی‌توانستیم به فیلمنامه‌ها پیشین اتکا کنیم. برای فیلمبردار و سایر عوامل سازنده وقتی قرار بود وسط زمین فوتبال برویم و پلان‌هایی را بگیریم، این موضوع بسیار ناشناخته بود. تجربه و تجهیزات نیز نداشتیم و مسیر توپ قابل پیش‌بینی نبود. نمی‌دانم چطور میزبان سختی کار در زمان بازسازی فوتبال را توصیف کنم فقط می‌توانم بگویم یکی از سخت‌ترین بخش‌ها بود.

● با پیش‌زمینه ذهنی از این سختی‌ها شاهد چقدر جرات ساخت چنین فیلمی را برای اولین تجربه فیلمسازی‌تان پیدا کردید؟

در گذشته تجربه ساخت مستندهای فوتبالی را داشتم و این موضوع به من کمک بسیاری کرد. از همان زمان در من انگیزه ساخت یک اثر سینمایی داستانی فوتبالی وجود داشت. این نکته را بگویم جز یک پلان در باقی پلان‌ها، توپ، واقعی است و به‌صورت رئال گرفته شده است. البته در بخش ویژه‌اول نیز کار سختی داشتیم و در حرکت‌های سریع کار دقیق سید هادی اسلامی ستودنی است. اما ۹۹ درصد ری‌اکشن‌ها در مقابل توپ رئال است.

● نقش تدوینگر هم در به ثمر نشستن این صحنه‌ها تأثیرگذار است.

حسن حسن دوست بی‌ظنیر است و من در این زمینه بسیار خوش شانس بودم. ایشان

علی ثقفی در گفت‌وگو با «ایران» از تجربه ساخت «پرویز خان» گفت

اول اخلاق، بعد فوتبال

فرهنگی

فیلم سینمایی «پرویزخان» به نویسنده‌گی و کارگردانی علی ثقفی و تهیه‌کنندگی عطا پناهی از جمله فیلم‌های به نمایش درآمده در چهل و دومین جشنواره فیلم فجر است که بلافاصله در قالب اکران نروژ به نمایش عمومی رسید. این فیلم که بخش‌هایی از زندگی زنده‌یاد پرویز دهداری را روایت می‌کند، موفق به نامزدی در ۹ رشته شد و سیمرغ بلورین بهترین فیلم اول، سیمرغ بلورین بهترین تدوین و دیپلم افتخار بهترین فیلمنامه را دریافت کرد. به بهانه اکران عمومی «پرویزخان» با علی ثقفی گفت‌وگو کردیم. سعید پورصمیمی، علی باقری، مهدی قربانی، خسرو احمدی، حمیدرضا پیگاه، بهنام تشکر، المیرا دهقانی، یاسین مسعودی، محمد صادق ملک، نیما نادری، روزبه زرنوقی، بیدالله شادمانی، مهدی فریضه، منوچهر علیپور، امیر دانشجو، سید ابوالفضل موسوی، نصیر ساکی، امیرمهدی کوشکی، علی فرحساک، اسکندر کوتی و مریم سعادت بازیگران این فیلم سینمایی هستند.

● علاقه‌مندی‌تان به انتخاب این سوزه به‌عنوان اولین تجربه کارگردانی‌تان بگویند، چرا پرویز دهداری سوزه فیلم اول سینمایی‌تان شد؟

پرویز دهداری، معرف حضور علاقه‌مندان به فوتبال است. به‌دنبال فرصتی بودم تا بیشتر افکار ایشان شناخته شود که نتیجه‌اش فیلم سینمایی «پرویز خان» شد و خدا را شکر که در جشنواره از آن استقبال شد و این امر بسیار خوشحال‌کننده است.

● برای این روایت منش دهداری، ساختار سختی را انتخاب کردید.

هر چه از سختی ساخت این فیلم بگویم اغراق نکرده‌ام. ممکن بود در یک روز ۱۰۰ نفر گریغ شوند. یا در بخش لباس ممکن بود در یک روز بیش از ۱۰۰ لباس آماده شود. در بخش طراحی صحنه و فیلمبرداری نیز به دلیل ناشناخته بودن فضا، کار دشواری در پیش داشتیم. وحید ابراهیمی به‌عنوان فیلمبردار با من بسیار همراهی کرد. به‌عنوان مثال پلانی را در زمین فوتبال طراحی کرده بودم، وقتی به

وحید گفتم چطور فیلمبرداری کند، گفت اصلاً اجازه بردن وسیله حرکتی در چمن نداریم؛ من چگونه این پلان را بگیرم؟! با کلی کنج‌وار و ارائه پیشنهادهای مختلف در نهایت آنچه بهترین بود، انجام می‌شد. وحید ابراهیمی جوان است و مثل من سرش برای انجام کارهای جدید درد می‌کند. برای همین چنین تجربه ناشناخته‌ای برای او نیز جذاب بود. درآوردن پیوستگی فوتبال در یک فیلم بسیار کار دشواری است. اساساً ساخت فیلم‌های ورزشی ریسک است و ممنون هستم که سازمان اوج این کار را کرد.

از عطا پناهی، تهیه‌کننده این فیلم سینمایی و از تیمی که هر کدام در بخش خوششان سختی‌های بسیاری را کشیدند، ممنونم. از استاد سعید پورصمیمی تشکر ویژه دارم که به تنهایی انرژی تمام گروه بود. استاد به ما افتخار داد و بازی در فیلم را پذیرفت. در صورتی که فکرش را نمی‌کردیم. چون می‌دانیم ایشان در انتخاب فیلمی که قرار است نقش‌آفرینی کند بسیار سخت‌گیر و گزیده‌کار است.



در گذشته تجربه ساخت مستندهای فوتبالی را داشتم و این موضوع به من کمک بسیاری می‌پذیرد در این فیلم حضور داشته باشد. یادم می‌آید وقتی جواب مثبت ایشان را شنیدیم در دفتر بودیم و همه از خوشحالی بال درآوردیم.

● سعید پورصمیمی همان ابتدا پیشنهاد شما را قبول کرد؟

روزی که فیلمنامه را پیش ایشان بردیم به ما یک جمله گفت و برخورد خوبی با ما داشت. گفت من باید فیلمنامه را بخوانم و خوشم بیاید. اگر یک وقت با نقش ارتباط نگرفتم به این معنا نیست که فیلمنامه شما بد است و از من ناراحت نشوید. ایشان فیلمنامه را خواند و دو روز بعد زنگ زد و گفت می‌پذیرد در این فیلم حضور داشته باشد. یادم می‌آید وقتی جواب مثبت ایشان را شنیدیم در دفتر بودیم و همه از خوشحالی بال درآوردیم.

● برای نوشتن فیلمنامه چه میزان بازنویسی انجام شد تا به آنچه در حال حاضر شاهد هستیم، برسید؟

فکر می‌کنم ۱۹ بار بازنویسی شد و ۲ سال من وقت گرفت.

● چرا این مقطع از زندگی پرویز دهداری را برای روایت انتخاب کردید؟

اگر زندگی پرویز دهداری را مطالعه کنید، متوجه خواهید شد سراسر زندگی او مانند



آفتقد کارشان حرفه‌ای است که زمان تدوین «پرویز خان» کار دیگری را قبول نکرد. ایشان هم مانند سعید پورصمیمی حضور در یک پروژه را بسیار سخت قبول می‌کند. من خیلی خوش‌شانس بودم که این دو عزیز پذیرفتند در فیلم من حضور داشته باشند. همان اتفاق سعید پورصمیمی که گفت فیلمنامه را می‌خوانم اگر دوست نداشتم بازی نمی‌کنم، درباره حسن حسن دوست هم رخ داد. گفت ابتدا نظرم این بود که قبول نکنم؛ اما همین که فیلمنامه را خواندم، پذیرفتم.

● فیلمبرداری صحنه‌های فوتبالی کجا انجام شد؟

برای فیلمبرداری، استادیومی در کرج در اختیار ما بود و کل صحنه‌های استادیوم را در شب می‌گرفتیم. به جایی رسیده بودیم که همه مصدوم شده بودند و دیگر بدن‌ها نمی‌کشید؛ اما به‌دلیل محدودیت زمان باید کار پیش می‌رفت. امتیازی که داشتم این بود که در پیش تولید یک بار تمام پلان‌ها گرفته شده و با فیلمبردار، چک‌های نهایی انجام شده بود. یک بار با هندی‌کم پلان‌ها گرفته شده بود و همه می‌دانستند قرار است در پلان بعدی چه اتفاقی رخ دهد. با وجود این باز هم وقتی وارد تولید صحنه‌های فوتبالی شدیم، کلی سختی و دشواری داشتیم که به هر طریقی بود آنها نیز عبور کرده و تلاش کردیم خستگی روی کیفیت کار عوامل تأثیر منفی نگذارد. آن‌ها با تمام وجود پای کار بودند. هرچند زمان تولید به جایی رسیدیم که برخی دوستان به من می‌گفتند بی‌خیال شو و جور دیگری فیلم را تمام کن. مثلاً همین که درون زمین می‌روند فیلم تمام شود. اما اگر زحمت بچه‌ها، ایستادگی و مقاومت گروه و حمایت تهیه‌کننده و سازمان اوج نبود، کار نمی‌توانست تا این حد پیش برود. این فیلم ۵۲ لوکیشن خارج از صحنه‌های فوتبالی‌اش دارد که بسیار پرزحمت است؛ اما ببینید بخش فوتبالی آن چقدر زحمت داشت که می‌توانم بگویم تمام لوکیشن‌ها یک طرف و بخش فوتبالی آن نیز طرف دیگر.

● سختی توپ، مثل مشکلات تیم خود دهداری بوده است!

از این نظر نیز بسیار خوش شانس بودم. بچه‌های بسیار با انگیزه‌ای داشتیم. ابوالفضل موسوی که نقش احمدرضا عابدزاده را بازی کرده، در زمان شروع کار تنها شبیه به عابدزاده بود؛ با ۱۰۷ کیلوگرم وزن. به او زمان تست گفتم خیلی با استعداد است؛ اما وزن بالایی داشت که گفت خودش را به وزن مناسب می‌رساند و واقعاً هم همین کار را کرد و به طرز عجیبی در زمان تولید خودش را به ۷۲ کیلو رساند.